



## سیر تطور «جمهوری» در تاریخ ایران/ چرایی برتری نظریه جمهوری اسلامی

«جمهوری» همان واژه‌ای بود که در دوران رضاخان مطرح شده بود اما با مقتضیات زمانه و فرهنگ ایرانی - اسلامی هماهنگ شده بود. از این رو توانست موافقت ۹۸ درصدی مردم ایران را در ۱۲ فروردین ۵۸ جلب کند.

«جمهوری» همان واژه‌ای بود که در دوران رضاخان مطرح شده بود اما با مقتضیات زمانه و فرهنگ ایرانی - اسلامی هماهنگ شده بود. از این رو توانست موافقت ۹۸ درصدی مردم ایران را در ۱۲ فروردین ۵۸ جلب کند.

خبرگزاری مهر-گروه سیاست: در تاریخ ایران، «جمهوری» خواهی قدمتی طولانی دارد. نخستین اشاره به جمهوری در ایران به اوایل قرن نوزدهم برمی‌گردد؛ جایی که میرزا صالح شیرازی در سفرنامه خود به این مفهوم اشاره می‌کند. نیم قرن بعد نیز یوسف خان مستشارالدوله در رساله موسوم به «یک کلمه»، منشا اقتدار دولت را اراده ملت عنوان کرد. پس از آن در برهه‌های مختلف تاریخی، مسئله جمهوری در ایران مطرح شد که از جمله آن می‌توان به جمهوری خواهی در جنبش مشروطه، جمهوری خواهی در جنبش خیابانی و قیام خراسان و تلاش برای برقراری جمهوری خودمختار در آذربایجان و کردستان در دوران پهلوی اشاره کرد که همگی ناکام بودند.

امام مهم‌ترین نمونه‌های جمهوری خواهی در تاریخ ایران، در سه برهه تاریخی دوران رضاخان، نهضت ملی و نهضت اسلامی، صورت گرفت.

در نوشتار پیش رو ضمن بررسی روند جمهوری خواهی در این سه برهه، دلایل شکست دو طرح نخست و پیروزی جمهوری اسلامی مورد مذاقه قرار خواهد گرفت.

### جمهوری خواهی در عهد رضاخان

رضاخان که توانسته بود بعد از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ نام خود را در کشور مطرح کند، کوشید تا با طرح مسئله جمهوریت، دودمان قاجار را منقرض کرده و شرایط را برای حضور خود در راس قدرت مهیا کند. از این رو، در سال ۱۹۲۴ جنبشی ظاهراً خودانگیخته شکل گرفت که خواستار تبدیل نظام حکومتی ایران به جمهوری بود. درحالی که در همسایگی این کشور، ترکیه به تازگی پذیرش جمهوری را اعلام کرده بود. اقلیتی از افراد، صراحتاً خواستار آن بودند که ایران نیز همین راه را دنبال کند. [۱] اما طولی نکشید که بساط جمهوری خواهی مدنظر رضاخان برچیده شد و این طرح به طور کامل عقیم شد.

### دلایل شکست طرح جمهوریت رضاخانی

دلایلی چند را می‌توان در شکست طرح جمهوریت رضاخان مطرح کرد.

#### ریشه‌های خارجی طرح جمهوریت

اغلب مورخان (از جمله یحیی دولت آبادی، حائری و مکی) تلویحاً یا تصریحاً به دست پنهان انگلیس در پشت پرده طرح جمهوری رضاخان اشاره کرده‌اند. نیز برخی از رهبران مذهبی و مخالفین جمهوریت رضاخانی مانند شهید مدرس هم علت مخالفتشان را «انگلیسی بودن» این جریان معرفی کرده‌اند.

مرحوم آیت الله مدرس درباره علت مخالفت خود با طرح جمهوری رضاخان، به نقش انگلیس در آن اشاره کرده و می‌گوید: «من با جمهوری واقعی مخالف نیستم و حکومت صدر اسلام هم تقریباً بلکه تحقیقاً حکومت جمهوری بوده است ولی این جمهوری که می‌خواهند به ما تحمیل کنند بنابر اراده ملت ایران نیست بلکه انگلیسی‌ها می‌خواهند به ملت ایران تحمیل کنند...»

براساس اسناد تاریخی، بعد از قدرتگیری رضاخان با کمک انگلیس و طرح مسئله ساقط کردن قاجار، سرپرستی لورن با وزارت امور خارجه بریتانیا تماس گرفت و گزارش داد: «باور من آن است که احمدشاه یا خلع یا مجبور به استعفا

خواهد گردید. بنابراین به جای رژیم فعلی باید یکی از این سه راه را برگزید: ۱- نیابت سلطنت؛ ۲- تغییر سلسله قاجاریه؛ ۳- رژیم جمهوری. وی ادامه داد: «من قصد دارم که بامداد اول مارس ۱۹۳۴ با رئیس الوزراء دیدن کنم و از او در مورد کارش پرس و جو کنم. خیلی اهمیت دارد که من نظر شما را پیش از آن ملاقات بدانم.»

علاوه بر انگلیس، ترکیه هم یکی از طرفداران جمهوری شدن ایران توسط رضاخان بود. رضاخان که شیفته فرهنگ غرب بود، همزمان با جمهوری شدن ترکیه، شروع به اقداماتی در این زمینه کرد. در این میان، مصطفی کمال پاشا، رئیس جمهور ترکیه یکی از حامیان اصلی وی بود.

در اوایل بهمن ۱۳۰۲ در روزنامه «ای در استانبول مقاله «ای به طرفداری از «جمهوری در ایران» منتشر شد. متعاقب آن، روزنامه «ای» های هوادار رضاخان در تهران به تمجید از آن مقاله پرداختند. [۲]

بلافاصله یک حزب سیاسی جدید که ساخته و پرداخته رضاخان بود تشکیل شد. این حزب با عنوان «حزب جمهوری ایران» در دومین بیانیه خود رسماً به منشأ خارجی طرح رضاخان اشاره کرده و اعلام کرد که ایرانیان باید از «سرمشق آلمانی» ها و ترک «ها» پیروی کنند. [۳]

علاوه بر انگلیس و ترکیه، شوروی نیز یکی از حامیان طرح جمهوری رضاخان بود. چنانچه راداک، نماینده سیاسی شوروی در برلین دو ماه قبل از اوج «ای» گیری جریان جمهوری «ای» خواهی در ایران طی تلگرافی محرمانه به چچرین، وزیر امور خارجه شوروی ابراز امیدواری کرده بود که مجلس ایران فرمان حکومت جمهوری را صادر کند. علاوه بر این، جراید مسکو نیز از این طرح به عنوان «جنبش ملی» یاد می کردند. [۴]

اما حمایت «ای» های کشورهای خارجی از طرح رضاخان و نیز منشأ خارجی این طرح که به طور عریان در روزنامه «ای» ها به آن اشاره می «ای» شد در جامعه سنتی ایران با استقبال مواجه نشد و به زمینه «ای» برای شکست آن طرح تبدیل شد. به علاوه این که، این طرح با فقه اسلامی نیز مغایرت داشت.

عدم مطابقت با فقه اسلام و تلاش برای جدایی دین از سیاست

سیاست جمهوری «ای» خواهی رضاخان نه تنها هیچ تطابق و سنخیتی با اسلام نداشت بلکه کاملاً با آن مغایر بود. به نوشته تاریخ کمبریج، «ای» پذیرش نظام جمهوری در ترکیه بلافاصله با اقداماتی در جهت جدا کردن دین از سیاست همراه شده بود «ای» و همین مسئله نیز «ای» بسیاری از ناظرین ایرانی به ویژه علما را دچار اضطراب می «ای» کرد؛ زیرا آنها جمهوریت را با برنامه «ای» های ضداسلامی آتاتورک یکی می «ای» دانستند. [۵]

اگرچه جهان شیعه هیچگاه مشروعیت خلافت عثمانی را به رسمیت نشناخته بود اما از نظر روحانیت شیعه عدم مطابقت سیاست «ای» های روزمره با فقه اسلامی قابل اغماض نبود. روحانیون معتقد بودند جمهوری «ای» خواهی «ای» مرضی عموم نبوده و با مقتضیات این مملکت مناسبت ندارد. [۶]

در اعلامیه «ای» هایی که علیه جمهوری رضاخانی در تهران منتشر و توزیع می «ای» شد هم به این موضوع اشاره می «ای» شد که: «ای» خواهان قصد دارند اسلام شیعی را از این مملکت ریشه «ای» کن سازند. آنها قصد دارند همان کاری را بکنند که همپالکی «ای» هایشان در مملکت عثمانی کردند. آنها به نام جمهوری خلافت را ملغی کردند و عمامه را از سر روحانیون برداشتند. [۶]

آیت «ای» الله خالصی «ای» زاده نیز در منابر خود به اهداف ضد دینی طرح رضاخان اشاره می «ای» کرد و می «ای» گفت: «ای» در اسلامبول که جمهوری شده است، اذان را موقوف کرده «ای» اند و مردها را نمی «ای» گذارند چند زن بگیرند اما زن «ای» ها می «ای» توانند چند شوهر که می «ای» خواهند بنمایند. [۷]

اهداف سکولاریستی رضاخان از طرح مسئله جمهوری کاملاً برای روحانیون آگاه روشن بود. به نوشته روزنامه «مورنینگ پست»؛ «ای» که علما و پیشوایان مذهبی، نهضت ضد جمهوری را رهبری می «ای» کردند به هیچ وجه ناشی از احساسات شاه «ای» پرستی مردم [حمایت از سلطنت قاجاریه] نبود بلکه عقیده علما این است که جمهوری نفوذ دین را [در کشور] از میان خواهد برد. [۷]

عدم مقبولیت طرح جمهوری در میان مردم

روشننگری؛های علما باعث شد مردم نیز از پشت پرده طرح جمهوریت رضاخانی آگاه شده و همگام با روحانیون به مقابله با آن برخیزند. مردم با اجتماعات مختلف مخالفت خود را با این طرح اعلام می؛کردند. شعار رایج آن روزهای مردم این بود: "ما تابع قرآنیم، جمهور نمی؛خواهیم." و "ما دین نبی خواهیم جمهوری نمیخواهیم."

به گفته مرحوم فلسفی، واعظ شهیر نهضت اسلامی، از سوی مردم علیه جمهوری رضاخانی؛تظاهرات و تجمع؛های فوق؛العاده با عظمت و مؤثر برگزار شد. مردم کثیری گرد آمدند و تمام صحن بهارستان را پر کردند؛

در ۲۸ اسفند ۱۳۰۳ بازاریان با تعطیلی مغازه؛ها، علیه جمهوریت دست به تظاهرات خیابانی زدند. در دوم فروردین سال بعد و درست در روزی که قرار بود مجلس به بحث درمورد طرح تغییر قانون اساسی و برپایی جمهوری بپردازد جمعیتی در حدود ۵هزار نفر مرکب از روحانیون، تجار، کسبه و مردم عادی در اطراف ساختمان مجلس گرد آمدند و شعارهایی بر ضد جمهوری رضاخانی سردادند. گروه؛های مختلف مردم که از تحمیل اجباری جمهوری ناخرسند بودند به بیوت علما رفتند و شکواییه؛هایی در رد جمهوریت رضاخانی تقدیم آنها کردند. [۷] علاوه بر این، گروه بزرگی از مردم نیز با اجتماع در مسجد شاه مخالفت خود را با طرح رضاخان اعلام کردند.

این موضوع نیز یکی از دلایل شکست طرح رضاخان بود.

#### مخالفت روحانیون با طرح جمهوری رضاخان

یکی دیگر از دلایل عدم موفقیت طرح جمهوری رضاخان مخالفت روحانیون با آن بود. در این میان آیت؛الله خالصی؛زاده و آیت؛الله شهید سیدحسن مدرس نقش بسیاری در آگاهاندن مردم داشتند. براساس خاطرات حجت؛الاسلام محمدتقی فلسفی؛؛مرحوم مدرس برای تمام علمای تهران و ائمه جماعات پیام فرستاد و به آنها گفت که خطر بزرگی اسلام و مسلمین را تهدید می؛کند و افزوده بود که در نمازهای جماعت خود به مردم بگویند در فلان روز معین علمای اعلام در مجلس متحصن می؛شوند و مردم هم می؛بایست در میدان بهارستان اجتماع کنند و به پیروی از علما مخالفت خود را با برقراری جمهوری قلابی و ایجاد دیکتاتوری رضاخانی اعلام نمایند؛

چنانچه مرحوم فلسفی روایت می؛کند با این فراخوان،؛بسیاری از علما حتی آن گروه از علمایی که هرگز در امور سیاسی مربوط به دولت و مجلس قانون؛گذاری و یا مبارزه سیاسی تحسن در مجلس وارد نبودند، آمدند؛

مخالفت روحانیون با طرح جمهوری؛خواهی رضاخان نقش پررنگی در شکست این طرح داشت. چنانکه مرحوم فلسفی می؛گوید؛؛رضاخان سردار سپه وقتی این صحنه طوفانی را دید، دریافت که چگونه و چقدر از روحانیون و مردم ارادتمند آنها به میدان آمده؛اند و این واقعه می؛تواند منشاء مشکلات بسیار بزرگی برای او بشود که غیر قابل حل باشد... رضاخان بعد داخل مجلس رفت و به علما گفت: شما از تحسن صرف نظر کنید و بدانید که ما از فکر جمهوریت منصرف شده؛ایم. شاید این تحسن و تظاهرات مهم؛ترین عاملی بود که توانست توطئه جمهوری شدن قلابی ایران را که قرار بود مشابه جمهوری ضداسلامی ترکیه و دیکته شده انگلستان باشد خنثی کند؛

#### جمهوری خواهی ملی گراها

با شکست کودتای ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ و فرار محمدرضا پهلوی از کشور، ایده حکومت جمهوری از سوی حسین فاطمی، وزیر امور خارجه مصدق ارائه شد. فاطمی که پیش از این نیز همواره در سرمقاله؛های روزنامه باختر امروز شعار دموکراسی سرمی؛داد اما هرگز به؛طور مبسوط درمورد اندیشه جمهوری قلم نزده بود و تنها در روزهای میان دو کودتا بود که جمهوری را به عنوان بدیلی بر سلطنت مطرح کرد.

#### دلایل شکست طرح جمهوری؛خواهی ملی؛گرایان

از ساعت یازده صبح ۲۵ مرداد، فعالین احزاب و دستجات عضو فراکسیون نهضت ملی اعلام کردند که از ساعت پنج و نیم

بعد از ظهر در بهارستان میتینگی برگزار خواهد شد. در این مراسم نمایندگان مختلف نهضت ملی نظرات متفاوت خود را درباره حکومت آینده کشور اعلام کردند.

اما نظریه جمهوری ملی&ZWNJ; گراها راه به جایی نبرد و تنها سه روز بعد از میتینگ ملی&ZWNJ; گراها، دولت مصدق با یک کودتای امریکایی-انگلیسی سقوط کرد و نظریه جمهوری نیز همراه با سقوط دولت مصدق مضمحل شد. بدین ترتیب، اشتباه ملی&ZWNJ; گراها نه تنها باعث وقوع کودتا شد بلکه امید مردم ایران را از برپایی یک نظام دموکراتیک کاملاً به یاس تبدیل کرد.

از جمله دلایل شکست جمهوری&ZWNJ; خواهی مد نظر ملی&ZWNJ; گرایان می&ZWNJ; توان به موارد زیر اشاره کرد.

عدم بسترسازی برای طرح مسئله جمهوری

نیروهای ملی هرگز یک طرح بلندمدت برای تاسیس یک نظام دموکراتیک به عنوان بدیلی بر سلطنت نداشتند و تنها در فاصله بین دو کودتا، درحالی که زمان کافی برای توضیح و تبیین ابعاد طرح خود نداشتند به این فکر افتادند.

آنها قبل از کودتای ناقص ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ هرگز به سقوط سلطنت پهلوی نمی&ZWNJ; اندیشیدند و گمان نمی&ZWNJ; کردند که ممکن است روزی فضا برای ساقط کردن رژیم فراهم شود؛ از این رو هرگز به فکر نظام جایگزین سلطنت نبودند و برای طرح نظریه جمهوریت بسترسازی مناسبی نیز نکردند.

وجود گرایش&ZWNJ; های متفاوت در درون جبهه ملی

در میان رهبران جبهه ملی و یاران نزدیک مصدق درباره آینده سلطنت اختلاف نظر بسیار بود. عده&ZWNJ; ای که در راس آنها شخص مصدق دیده می&ZWNJ; شد، مخالف برقراری نظام جمهوری بودند و سلطنت مشروطه را یکی از محورهای مورد تاکید خود می&ZWNJ; دانستند.

محمد مصدق، رهبر جبهه ملی یکی از حامیان و طرفداران برقراری سلطنت بود و از جمله مهم&ZWNJ; ترین مخالفین الغای آن به شمار می&ZWNJ; آمد. او معتقد بود سلطنت باید بماند و تنها شعارش این بود: "شاه باید سلطنت کند نه حکومت."

از اکثر منابع تاریخی -از جمله خاطرات و تألمات دکتر مصدق- چنین برمی&ZWNJ; آید که مصدق با عنایت به سوگندی که&ZWNJ; برای اطمینان خاطر محمدرضا پهلوی یاد کرده و بر پشت قرآن نوشته بود، به وی اطمینان داده بود که: "اگر دشمن قرآن باشم اگر بخواهم برخلاف قانون اساسی عمل کنم و همچنین اگر قانون اساسی را نقض کنند و رژیم مملکت را تغییر دهند، من ریاست&ZWNJ; جمهوری را قبول کنم." [۸]

علی&ZWNJ; رغم اصرار فاطمی درمورد شدت عمل با کودتاچیان و حتی درگیری لفظی او با مصدق درمورد کنار گذاشتن محافظه&ZWNJ; کاری در شرایط انقلابی، مصدق به دنبال آن بود که با محمدرضا پهلوی که پس از شکست کودتا متواری شده بود ارتباط برقرار کرده و به او تأمین بدهد تا به کشور بازگردد. [۹]

به گفته نصرت&ZWNJ; الله خازنی (منشی مخصوص مصدق)، او در روزهای بین دو کودتا دائماً به دنبال پیدا کردن شاه و بازگرداندن او به کشور بود و این جمله را تکرار می&ZWNJ; کرد که چگونه این مرد کشور را رها کرده و مرا به این وضعیت دچار کرده است!

مصدق همچنین اذعان می&ZWNJ; کرد: "من نه فقط با جمهوری دموکراتیک بلکه با هر رقم دیگر آن هم موافق نبودم؛ چون که تغییر رژیم موجب ترقی ملت نمی&ZWNJ; شود." [۱۰]

محمدعلی سفری از فعالان سیاسی آن دوران در خاطرات خود درباره مخالفت مصدق با الغای سلطنت می&ZWNJ; نویسد: "به یاد دارم در آخرین مصاحبه مطبوعاتی در بعدازظهر روز ۲۷ مرداد وقتی مصاحبه تمام شد و من حسب&ZWNJ;المعمول با آن مرحوم (فاطمی) به اتاقش رفتم تا اخبار و مطالبی را که برای روزنامه داشت بگیرم، سخت ناراحت بود. وقتی من پافشاری کردم تا در مورد مسأله تغییر رژیم مطلبی بنویسم، شاید برای نخستین بار در طول مدتی که در کنار او در "باختر امروز" انجام وظیفه می&ZWNJ; کردم، به من پرخاش کرد. وقتی این رفتار غیرمنتظره او

حال مرا دگرگون کرد و اشک در چشمانم جمع شد، آن مرحوم در حالی که آشکارا صدایش می‌زد؛ لرزید خطاب به من گفت: این قدر سماجت نکن، حرف آخر را من نمی‌زنم؛ توانم بزنم، آن کس که باید (اشاره به مصدق) بزند هنوز راضی نشده است. [۱۱]؛ [raquo]

مصدق تا جایی مخالف سرنگونی سلطنت بود که حتی با پایین کشیدن مجسمه‌های محمدرضا پهلوی از میادین شهر نیز مخالف بود. حسین شاه‌زاده؛ حسینی از نزدیکان مصدق و از اعضای شورای مرکزی جبهه ملی در این رابطه می‌گوید: «پایین کشیدن مجسمه‌ها [بعد از کودتای ۲۵ مرداد] کار مردم بود نه دولت. دولت به این کارها مایل نبود و مقاومت‌هایی هم کرد ولی مردم خواستار این بودند که جرثقیل بیاورند و دولت هم به نتیجه نرسید. [۱۲]؛ [raquo]

از این رو، در شرایطی که سلطنت متزلزل بود، مصدق درصدد تشکیل شورای سلطنت به ریاست دهخدا برآمد و اعلام کرد: هر کس حرف از جمهوری بزند تحت تعقیب قانونی قرار خواهد گرفت.

هدف مصدق از تشکیل شورای سلطنت بازگرداندن محمدرضا پهلوی به کشور و محدود کردن او به قانون اساسی مشروطه بود.

در میان دیگر رهبران جبهه ملی هم نظریه همگون و هماهنگی درباره آینده نظام سیاسی ایران وجود نداشت. در همان میتینگ ۲۵ مرداد و درحالی‌که فاطمی بر برقراری جمهوری اصرار داشت، شایگان همانند مصدق بر شعار "شاه باید سلطنت کند و نه حکومت" تاکید می‌زد.

در حالی که در همین میتینگ، مهندس رضوی نیز سخنرانی کرد و گفت: «... هموطنان من، امروز دیگر اراده یک نفر، هر کسی که باشد، سرنوشت کشور را نمی‌تواند تغییر دهد...»؛ او در پایان سخنانش از مصدق خواست «انفصال پادشاهی که پشت به ملت ایران کرده و با این کار خود مثلاً سعی کرده از منافع خارجی‌ها حمایت کند را اعلام کند.»؛ موضوعی که مصدق با آن موافق نبود.

طبیعتاً با چنین فضای سردرگمی که رهبران جبهه ملی گرفتار آن بودند، مردم نیز دچار تردید می‌شدند. به علاوه، خود مصدق به عنوان بازیگر اصلی و رهبر جبهه ملی، وفاداری خود را به نظام مشروطه اعلام کرده بود و طبعاً حضور او به خواسته‌های ضدسلطنتی مجال بروز نمی‌داد.

میدان دادن ملی‌گرایان به حزب توده و افزایش بدبینی در بین مردم

ملی‌گراها در دوران نخست‌وزیری مصدق بیش از حد به حزب توده میدان دادند. این حزب به خاطر علایق و تمایلات کمونیستی سابقه خوشایندی در بین مردم و نیروهای مذهبی نداشت و به شدت منفور بود. روزنامه‌های توده‌ای قبل از کودتا نیز با حمایت مصدق به نیروهای مذهبی حمله می‌کردند و آنها را آماج توهین‌های خود قرار می‌دادند. حجت‌الاسلام فلسفی که خود از نزدیک شاهد وقایع آن روزها بود، به یک نمونه از این توهین‌ها اشاره می‌کند و می‌گوید: «مصدق روزنامه‌های کمونیستی را آزاد گذاشت تا هر چه خواستند نوشتند و هیچگاه به اعتراض مردم مسلمان و روحانیون اهمیت نداد. گاهی بعضی از آقایان علما که از خیابان‌های شاه‌آباد یا استانبول عبور می‌کردند، روزنامه فروش‌های هوادار حزب توده را می‌دیدند که با اهانتی آشکار، هفته‌نامه "چلنگر" را لوله می‌کردند و به طرف صورت آنها می‌زدند و می‌گفتند: آشیخ! چلنگر. [۱۳]؛ [raquo]

در جریان جمهوریت نیز حزب توده همانند قبل دست به تحرک زد. همایون کاتوزیان در کتاب "مصدق و نبرد قدرت در ایران" در این رابطه می‌نویسد: «حزب توده بلافاصله اعلامیه‌هایی بر در و دیوار چسباندند که در آن‌ها خواهان اعلام فوری "جمهوری دموکراتیک" شده بود.»؛ در میتینگ بهارستان نیز اعضای حزب توده، فریاد "برقرار باد جمهوری دموکراتیک" را سر می‌دادند.

همسویی شعارهای برخی ملی‌گرایان و حزب توده، خودبه‌خود دید جامعه را نسبت به جمهوری خواهی منفی کرد. چرا که مردم این همسویی در شعار را با پیشینه همکاری‌ها و همسویی‌های توده‌ای و ملی‌گرایان کنار هم می‌گذاشتند و نسبت به شعارهای جبهه ملی بدبین می‌شدند.

نیروهای ملی در میان مردم از جایگاه نیرومندی برخوردار نبودند. آنها در قیام ۳۰ تیر نیز به واسطه شخصیت کاریزماتیکی چون آیت‌الله کاشانی موفق شده بودند حمایت توده مردم را نسبت به خود جلب کنند و هرگز توانایی جذب توده مردم را نداشتند.

به علاوه در شرایط بین دو کودتا، نیروهای ملی به دلیل قطع ارتباط با رهبر مذهبی آن دوران، پشتوانه مردمی پیشین خود را که به واسطه وجود شخصیت آیت‌الله کاشانی بود کاملاً از دست داده بودند. از این رو می‌توان گفت در روزهای بین دو کودتا، ملی‌گراها با بحران "مقبولیت" از سوی مردم مواجه بودند و نمی‌توانستند نظر مردم را درباره پذیرش طرح جمهوری به خود جلب کنند.

#### دلایل برتری نظریه جمهوری اسلامی

تنها دو ماه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، نظام جمهوری اسلامی با رای حداکثری مردم ایران به رسمیت شناخته شد و به عنوان نظام جایگزین رژیم پهلوی کار خود را آغاز کرد.

نظریه جمهوری اسلامی در شرایطی توسط امام خمینی نهادینه شد که از مدت‌ها قبل جمهوری در ایران در قالب اشکال گوناگون و در برهه‌های مختلف تاریخی مطرح شده بود اما در همه آن‌ها ناکام مانده بود. اما در این دوره هم شرایط سیاسی-اجتماعی مهیا بود و هم جمهوریت در قالب مدلی بومی از سوی رهبر نهضت ارائه شده بود و مردم با اعتقاد و اعتمادی که به امام داشتند نظریه مذکور را پذیرفتند.

پیروزی جمهوری اسلامی دلایل مختلفی داشت که از جمله مهم‌ترین آن می‌توان به دلایل زیر اشاره کرد.

#### تبیین کامل ابعاد جمهوری اسلامی از سوی امام

امام خمینی از سال ۱۳۲۳ نظرات فقهی و سیاسی خود را درباره حکومت ارائه کرده بودند. ایشان در کتاب "کشف الاسرار" حکومت را امری ضروری در حیات بشریت دانسته و تصریح کردند که این حق در زمان حیات معصوم به دست معصوم است. سپس ایشان با صحبت درباره حکومت در زمان غیبت معصوم، به بحث ولایت فقیه اشاره کرده و بیان می‌کنند که در زمان غیبت معصوم، شارع، فقیهان را به ولایت بر مردم نصب کرده است. امام خمینی در کشف الاسرار همچنین موضوعاتی مثل مسئله حکومت، ضرورت اسلامی بودن آن، وظایف دولت و جایگاه مردم در حکومت را مطرح کردند.

اما مهم‌ترین آرای امام خمینی درباره حکومت در سال ۱۳۴۸ در جزوه "نامه" ای از امام موسوی کاشف الغطاء منعکس شد. این کتاب که بعدها به عنوان "ولایت فقیه" معروف شد و دست به دست مردم چرخید، مجموعه ۱۳ سخنرانی امام خمینی در حوزه علمیه نجف در مبحث ولایت فقیه بود.

در این کتاب امام خمینی با طرح مباحثی چون ضرورت ولایت فقیه، ضرورت تشکیل حکومت به عنوان جزء اساسی ولایت و ماهیت حکومت اسلامی، از لزوم تشکیل حکومت اسلامی برای اجرای احکام و قوانین اسلام صحبت کرده و به ارائه برنامه و روش‌های مبارزه جهت تشکیل حکومت اسلامی پرداختند و متذکر شدند: باید «حکومت‌های جائز را برانداخته و حکومت اسلامی را تاسیس نماییم» [۱۴].

طرح این مباحث تا حدودی باعث آشنایی مردم با آلترناتیو سلطنت شده بود تا اینکه با اوجگیری مبارزات مردم ایران با رژیم پهلوی، درست در زمانی که سقوط سلطنت قریب‌الوقوع بود، امام خمینی به عنوان رهبر نهضت اسلامی با قرائت نوینی از جمهوریت و تلفیق آن با اسلام، مدلی بومی و اسلامی از "جمهوری" ارائه کردند و به تبیین ابعاد نظام جایگزین "سلطنت" پرداختند.

ایشان در مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های مختلف خود که به صورت اعلامیه، جزوه و نوار در سطح وسیع در ایران انتشار می‌یافت "جمهوری اسلامی" را به مردم معرفی می‌کردند.

امام قبل از هجرت به پاریس در پاسخ سوال خبرنگار لوموند که برنامه سیاسی شما چیست؟ و به جای این رژیم (پهلوی) چه نوع رژیمی را برقرار خواهید کرد؟ فرمودند: «laquo& کمال مطلوب ما اینجا یک دولت و "حکومت اسلامی" است...raquo&»

امام خمینی برای نخستین بار در ۲۲ مهرماه ۱۳۵۷ در مصاحبه با روزنامه فیگارو واژه "جمهوری اسلامی" را به کار بردند و فرمودند: «laquo& بدون چون و چرا، حفظ رژیم شاه غیرقابل قبول است و ما پیوسته با آن مخالف بوده&raquo& ایم. سرنگونی آن هدف غیرقابل تغییر مبارزه ماست. به علاوه این شکل حقوقی رژیم نیست که اهمیت دارد بلکه محتوای آن مهم است. طبیعتاً می&raquo& توان یک "جمهوری اسلامی" را در نظر گرفت.&raquo&» [۱۵]

ایشان همچنین در مصاحبه با خبرنگار روزنامه اندونزی تمپو در ۲۳ دیماه ۵۷ به تبیین ابعاد جمهوری اسلامی پرداخته و فرمودند: «laquo& آنچه مهم است ضوابطی است که در این حکومت باید حاکم باشد که مهم&raquo& ترین آنها عبارت است از اینکه اولاً متکی به آرای ملت باشد، به گونه&raquo& ای که تمامی آحاد ملت در انتخاب فرد و یا افرادی که باید مسئولیت و زمام امور را در دست بگیرند شرکت داشته باشند؛ و دیگر اینکه در مورد این افراد نیز خط مشی سیاسی و اقتصادی و سایر شئون اجتماعی و کلیه قواعد و موازین اسلامی مراعات شود. در این حکومت به طور قطع باید زمامداران امور دائماً با نمایندگان ملت در تصمیم&raquo& گیری&raquo& ها مشورت کنند و اگر نمایندگان موافقت نکنند نمی&raquo& توانند به تنهایی تصمیم گیرنده باشند. افرادی که به عنوان نمایندگان یا مسئولین دولت در جمهوری اسلامی انتخاب می&raquo& شوند شرایطی دارند که با رعایت آن شرایط، حقیقتاً نمایندگان واقعی مردم انتخاب می&raquo& شوند نه نمایندگان طبقه خاصی که به ضرر اکثریت ملت عمل کنند. خطوط اصلی در قانون اساسی این حکومت را اصول مسلم اسلام که در قرآن و سنت بیان شده تشکیل می&raquo& دهد.&raquo&»

امام خمینی در ۲۲ آبان نیز در پاسخ به این سوال خبرنگار لوموند که «laquo& آیا جمهوری شما بر پایه سوسیالیسم است؟ مشروطیت است؟ بر انتخاباتی استوار است؟ دموکراتیک است؟ چگونه است؟&raquo&» فرمودند: «laquo& جمهوری، به همان معنایی است که همه جا جمهوری است. لکن این جمهوری بر یک قانون اساسی&raquo& ای متکی است که قانون اسلام است. اینکه ما جمهوری اسلامی می&raquo& گوئیم برای این است که هم شرایط منتخب و هم احکامی که در ایران جاری می&raquo& شود اینها بر اسلام متکی است، لکن انتخاب با ملت است و طرز جمهوری هم همان جمهوری است که همه جا هست.&raquo&»

تبیین ابعاد حکومت اسلامی که از دهه ۲۰ توسط امام خمینی در دستور کار قرار گرفت، باعث آگاهی مردم شد، به طوری که مدتی بعد، "جمهوری اسلامی" برای هیچ یک از مردم ایران مقوله&raquo& ای گنگ و نامفهوم نبود.

تطابق و تناسب با شرایط روز

زمانی که مردم ایران درگیر مبارزه با سلطنت خودکامه پهلوی بودند، مدت&raquo& ها بود که در اغلب نقاط جهان عمر رژیم&raquo& های سلطنتی به سر آمده بود و در جامعه ایران نیز مردم خواستار ساختار حکومتی متناسب با زمان و شرایط فرهنگی و مذهبی ایران بودند.

از یک سو مردم در برهه&raquo& ای برای سرنگونی رژیم پهلوی مبارزه می&raquo& کردند که مقتضیات زمان، حکومت مردم بر مردم (جمهوری) را به عنوان بهترین شکل حکومت ایجاب می&raquo& کرد و از طرف دیگر امام خمینی به عنوان رهبر نهضت اسلامی، در صحنه سیاسی نیز شرایط زمانی و مکانی را مدنظر قرار می&raquo& داد. بنابراین با طرح نظریه جمهوری اسلامی که در آن مردم حاکم بر سرنوشت خویش هستند و در عین حال احکام اسلام هم اجرا می&raquo& شود تفسیری تازه از حکومت اسلامی ارائه کردند.

به عقیده شهید مطهری نیز جمهوری اسلامی پاسخی به نیازها و شرایط روز بود. به تعبیر استاد مطهری، جمهوری اسلامی نوعی از انواع رژیم&raquo& های سیاسی جمهوری در دنیا است که با توجه به مسلمان بودن اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران، قوانین و مقررات و ضوابط اسلام اجرا می&raquo& گردد و این اسلامیت به هیچ وجه با حاکمیت ملی و روح دموکراسی منافات ندارد. [۱۶]

حمایت مردم از جمهوری اسلامی

اصلی&raquo& ترین مبنای جمهوری، مردم است. در نظام جمهوری مردم دولت را تعیین می&raquo& کنند و حکومت به آنها

متکی است. در رژیم‌های جمهوری شرط اصلی شرکت حداکثری مردم در اداره امور عمومی و صورت‌بندی قدرت است و مردم در رژیم جمهوری مبنای مبداء مشروعیت حکومت به شمار می‌روند. [۱۷]

چنانکه گذشت، جمهوری‌خواهی رضاخان و جمهوری ملی‌گرایان، از همان ابتدا با عدم استقبال مردم مواجه شد. اما در دوران نهضت اسلامی مردم حتی قبل از استقرار نظام جمهوری اسلامی و با الهام از روشنگری‌های امام، در تظاهرات ضد پهلوی، خواستار برپایی "حکومت اسلامی" بودند و در شعارهای خود در دو وجه سلبی و ایجابی به آن اشاره می‌کردند؛ در وجه سلبی، استبداد، اختناق و دیکتاتوری پهلوی نفی می‌شد و در وجه ایجابی استقلال، آزادی و برقراری جمهوری اسلامی مورد تأکید قرار می‌گرفت.

مهم‌ترین شعار که در بحبوحه انقلاب اسلامی به گوش می‌رسید و دربردارنده خواسته مردم بود شعار "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" بود. این شعار منعکس‌کننده حمایت مردم از نظام آینده ایران بود که قرار بود جایگزین سلطنت شود.

علاوه بر این مردم در دوران مبارزه با رژیم پهلوی، در شعارهای دیگر نیز حمایت خود را از نظام جمهوری اسلامی اعلام می‌کردند. از جمله می‌توان به شعارهای زیر اشاره کرد:

جمهوری اسلامی ایجاد باید گردد/ این کشور ویرانه آباد باید گردد

دوران سلطنت به فناست؛ جمهوری اسلامی به پاست

دیروز اسارت، امروز انقلاب، فردا آزادی؛ دیروز سطنت، امروز انقلاب، فردا جمهوری اسلامی

نه شرقی نه غربی، جمهوری اسلامی و...

حضور حداکثری مردم در فراندوم جمهوری اسلامی کمتر از دو ماه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و رای بالا به جمهوری اسلامی دیگر نشانه حمایت مردم از این نظام بود.

علاوه بر این پیوند جمهوری اسلامی با استقلال و اسلام، تأکید آن بر عدالتخواهی و دموکراسی مبتنی بر اسلام از جمله مبانی مشروعیت نظام جمهوری اسلامی بوده و باعث موفقیت و ماندگاری آن در تاریخ ایران شد.

لذا می‌توان گفت واژه "جمهوری" همان واژه‌ای بود که در دوران رضاخان و نیز بین دو کودتا در سال ۱۳۳۲ توسط ملی‌گرایان مطرح شده بود؛ اما از لحاظ زیربنایی کاملاً با مقتضیات زمانه و فرهنگ ایرانی - اسلامی هماهنگ شده بود. از این رو توانست موافقت ۹۸ درصدی مردم ایران را در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ جلب کند.

[۱] سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، ترجمه عباس مخبر، تهران: صها، ص ۲۱.

[۲] تورج اتابکی، تجدد آمرانه، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: ققنوس، ص ۷۷.

[۳] پیشین، ص ۷۹.

[۴] حجت الله کریمی، جمهوری خواهی ایرانی، تهران: امیرکبیر، ص ۱۲۱.

[۵] سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، ص ۲۲.

[۶] تورج اتابکی، تجدد آمرانه، ص ۸۳.

[۷] استفانی کرونین، رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران: جامی، ص ۱۱۴.

[۸] مجموعه‌ای از نطق‌های تاریخی دکتر مصدق، بی‌ژن‌جا، بی‌ژن‌تا، بی‌ژن‌نا، ص ۱۱۱.



- [۹] کریم سنجابی، امیدها و ناامیدی؛ zwnj&ها، لندن: نشر جبهه، چاپ اول، ۱۳۶۸، ص ۱۴۸.
- [۱۰] محمد مصدق، خاطرات و تالمات مصدق، تهران: انتشارات علمی، چاپ اول، ۱۳۶۵، ص ۲۷۳.
- [۱۱] محمدعلی سفری، قلم و سیاست، نشر نامک، جلد ۱، صص ۸۵۸ و ۸۵۹.
- [۱۲] گفتگو با حسین شاه حسینی، چشم انداز ایران، شماره ۲۲، ص ۱۳.
- [۱۳] علی دوانی، خاطرات و مبارزات حجت؛ zwnj&الاسلام فلسفی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۸۲، ص ۱۴۲.
- [۱۴] امام خمینی، ولایت فقیه، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ص ۱۳۸ و ۱۳۹.
- [۱۵] صحیفه امام خمینی، جلد ۴، ص ۳.
- [۱۶] مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، تهران: صدرا، ص ۸۳.
- [۱۷] حجت الله کریمی، جمهوری خواهی ایرانی، ص ۲۰۱.  
جواد بخشی الموتی